



شیعیان لبنان

(۱)

در بررسی تاریخ شیعیان
در لبنان، در این شماره، با
گوشه‌هایی از فراز و نشیب
تشیع در لبنان از بدو پیدایش
آن در این سرزمین، اقتدار
سیاسی و اجتماعی تشیع در
قرن سوم و علل شکوفایی آن
در لبنان آشنا می‌شویم:

یادآور
تفاوت
اولیه

آنان است^۱. معاویه که برای مدتی دراز
در شام حکومت داشت، شیعیان سوریه
و لبنان را تحت فشار سختی قرار داد و
خلفای بعد از او و نیز بنی عباس
ستم‌هایی جانکاه بر این طایفه روا

۱. خاورمیانه، پیترو پیرمنت و دیگران، ص ۴۸۶.

* فراز و نشیب

با مطالعه جوامع مسلمان لبنان این
حقیقت روشن می‌گردد که قدیمی‌ترین
آنان شیعیان هستند. تا زمان نخستین
جنگ صلیبی (۱۰۹۶م) به جز نواحی
مارونی‌نشین بطرون، جبیل و مناطق
متعلق به دروزی‌ها یعنی شوف و وادی
تیم، تمامی لبنان به یکی از جوامع شیعه
تعلق داشت. پراکندگی کنونی متاوله
(یکی از فرق شیعه)، تا حد زیادی

آغاز نفوذ تشیع در لبنان

در امر پیدایش شیعیان لبنان عقاید متفاوتی مطرح است. علمای شیعه جبل عامل (جبل بنی عامله) بر این باورند که جامعه شیعی این ناحیه از تمام جوامع دیگر به جز حجاز، کهن‌تر است. آنان تأسیس این تشکل با برکت را به صحابی رسول اکرم صلی الله علیه و آله، ابوذر غفاری، نسبت می‌دهند. وجود دو مسجد قدیمی به نام این مرد وارسته در دو دهکده قدیمی جبل عامل به نام‌های میس الجبل و صرفند را دلیل این امر می‌شمارند.^۱

اما می‌دانیم که ابوذر به شام (دمشق) تبعید شده بود، نه به لبنان امروزی. ولی در هر حال مشخص نیست که پس از تبعید ابوذر چه حوادثی در سوریه و لبنان رخ داده است؟

همچنین جای این سؤال باقی است که چرا تشیع از بلاد فلسطین و سوریه رخت بر بست و در لبنان باقی ماند؟ اما

داشتند، تعدادی از آنان را داخل دیوارها، در میان جرزها و در وسط ستون‌ها دفن کردند، قتل عام‌های بزرگ از شیعیان به راه انداختند و از این جهت جوامع شیعه بر نواحی دورافتاده کوهستانی و پناهگاه‌های ارتفاعات روی آوردند تا در این نقاط از گزند هجوم دشمن، خود را حفظ کنند.^۱ فشاری که مملوک‌های سنی از سال ۱۲۹۱م تا ۱۵۱۶م بر شیعیان اعمال کردند، از سوی ترکان عثمانی ادامه یافت و آنان را از عکار، بیشتر جلگه‌های ساحلی و کسروان بیرون راند. بنابراین جای شگفتی نیست که این جامعه غالباً در مناطق نامطلوب جلیل علیا و البقاع باقی مانده‌اند، از آثار تلاش آنان در حرکت به سوی ناحیه‌ای امن‌تر طی قرون شانزدهم تا هیجدهم میلادی وجود چند روستای شیعه‌نشین در سمت شرقی جبل لبنان است.

عامل دیگری که تسلط شیعیان در لبنان را دچار رکود کرد، گسترش عقاید دروزی‌ها در جوامع در قرون یازدهم و دوازدهم میلادی بود.^۲

۱. لبنان، دکتر چمران، ص ۲۸.

۲. خاورمیانه، همان، ص ۴۸۵.

۳. خطط جبل عامل، سید محسن امین، ص ۸۴ - ۸۳، جبل عامل فی التاریخ، محمد تقی آل الفقیه العاملی، ص ۴۹.

در نقاط سند و مدرک قرار داده و در حوزه‌های علمی خود به عنوان منبع درسی از آنها استفاده کرده، بر کتابهای مزبور حاشیه و شرح نوشته و بحث‌های علمی و کاوشهای خویش را بر محور مطالب این آثار متمرکز نموده‌اند. بر این نکته باید واقعیت دیگری را بیفزاییم و آن این که عده‌ای از دانشوران شیعه در جبل عامل برای دفاع از مکتب اهل بیت کشته شده‌اند و دو نفر از آنان افتخار لقب شهید اول و شهید دوم را به خود اختصاص داده‌اند.^۱ شهید ثالث، قاضی نورالله شوشتری که در هندوستان به سال ۱۰۱۹ هـ.ق به شهادت رسید، می‌نویسد:

«تجلی انوار رحمت الهی همیشه شامل اهل جبل عامل بوده و نور محبت خاندان پیامبر از ناحیه ایمان ایشان چون بارقه نور از شامق طور ظهور می‌نمود و هیچ روستایی نیست که جمعی از فقها و فضلاء امامیه در آنجا نباشند و جمیع

واقع امر این است که جبل عامل تشیع خود را پیوسته نگهداری کرد و به رغم فشارها، شکنجه‌ها و ناگواریهای فراوان و حوادث نگران‌کننده، آن را حفظ کرد و به عالی‌ترین وجه از آن حمایت کرد، شیخ حر عاملی که خود دانشمندی از این دیار است و در عصر صفویه می‌زیسته، می‌نویسد:

«دانشوران شیعی جبل عامل در حدود یک پنجم همه دانشمندان متأخر شهرهای اسلامی است. همچنین آثار و نوشته‌های آنان به همین میزان است یا این که سرزمین‌های آنان کمتر از یک‌صدم سرزمین‌های اسلامی است.»^۲ با وجود این که مآخذ و مصادری

در دست ما نیست تا بگوئیم قبل از تألیف کتاب امل‌الامل که شیخ حر عاملی این مطالب را در آن نوشته چگونه بوده است ولی آثار و اخباری گواهی می‌دهند تلاش علمی و فرهنگی علمای این سامان در همین حدود است و می‌توان گفت بعضی از خدماتی که دانشمندان این منطقه کرده‌اند، جنبه تشیع جهانی داشته و آثار آنان را شیعیان

۱. تشیع انقلابی زیر شکنجه ارتجاع، حسن امین، ترجمه دکتر سید جمال موسوی، ص ۱۳۱ - ۱۲۹.

اهالی آنجا اعم از خاص و عام، وضع و شریف در تعلیم مسایل اعتقادی و احکام شرعی بر طبق مذهب اثنی عشری مبالغه تمام به جا می آورند و در تقوا، مروت و قناعت به امیرمؤمنان (ع) اقتدا دارند. با وجود استیلای رومیان مسیحی، بر نشر مذهب خود اهتمام وافری بروز داده اند.^۱ فقه و محدث بزرگوار شیخ حرّ عاملی صاحب کتاب وسایل الشیعه می گوید:

«از برخی استادان شنیدم که در زمان شهید اول در یکی از روستاهای جبل عامل هفتاد مجتهد در تشییع جنازه ای شرکت داشتند».^۲

علامه محمد حسین مظفر

می نویسد:

«بذر تشیع در جبل عامل به دست ابوذر کاشته شد و رو به رواج و انتشار گذاشت و چون پیروان زیادی برای خود کسب کرد و مجال و عرصه برای مردم آن در تحصیل علم به گونه ای گسترده فراهم آمد، در فراگیری علوم اهل بیت حتی با هجرت و کوچیدن به ایران و عراق، دامن همت به کمر زدند و در نتیجه از جبل عامل

علمایی برخاستند که شیعه از مؤلفات و آثار علمی آنها تا هم اکنون مستفیض و بهره مند است، علمایی که ممالک شیعه نشین از صیت و شهرت آنان سرشار است».^۳

دکتر فیلیپ حتّی - که خود یک مسیحی لبنانی است - می نویسد:

«پرده های ضخیمی زندگی شیعیان را در لبنان فرو پوشانیده است اما از ورای این حجاب ها جنبه درخشانی بر ما هویداست که از معنای ژرفی حکایت دارد و نشان می دهد که این تشکّل مذهبی هرگز از علل و اسباب علم دست ننشسته، بلکه از قرن شانزدهم میلادی بر آن دست داشته است یعنی از زمانی که شاه اسماعیل مؤسس دولت صفوی در ایران دیانت رسمی ایرانیان را مذهب شیعه قرار داد، متوجه شد که کتاب کافی در این زمینه وجود ندارد از این رو برای جبران این کاستی علمای شیعه را از لبنان و غالباً از

۱. مجالس المؤمنین، قاضی نورالله توشتری،

ج اول، ص ۷۷.

۲. امل الامل، شیخ حر عاملی، ج اول، ص ۱۵.

۳. تاریخ شیعه، علامه مظفر، ص ۲۳۵.

جبل عامل به ایران فراخواند»^۱.

بود، مردی سنّی مذهب، پسر ابو عقیل می‌گفتند^۲.

اقتدار سیاسی اجتماعی تشیع

شواهد تاریخی مؤید آن است که قرن سوم هجری (نهم میلادی) عراق، ایران، سوریه، شمال آفریقا و خصوصاً مصر شکوفائی تشیع را تجربه کرده است، دورانی که دول قدرتمند شیعی مذهب آل بسویه در عراق و ایران، فاطمی‌ها در مصر و مراکش، حمدانی‌ها در موصل و حلب حکومت می‌کردند. آنگاه که خاندان شیعه حمدانیان در حلب به فرمانروایی رسیدند و متعاقب این ایام که بخش اعظم این سرزمین در امپراتوری فاطمیان ادغام گردید، اکثریت مسلمانان لبنان و سوریه شیعه بوده‌اند^۲. گزارش سیاحان مسلمان این موضوع را تأیید می‌کند. ناصر خسرو قبادیانی که در سال ۴۳۹ هـ ق مطابق ۱۰۴۷ م از شهر صور عبور می‌کرده است می‌نویسد:

«... و این شهر صور معروف است به توانگری در میان شهرهای ساحل شام و مردمانش بیشتر شیعه‌اند. و قاضی آنجا

ابن جبیر در سفرنامه خود که به سال ۵۸۰ هـ ق (۱۱۸۴ م) نوشته یادآور شده است:

«شیعیان را در این سرزمین (دمشق) اموری است شگفت و به شمار؛ بیش از سنیانند و در سراسر این دیار با مذاهب گوناگون خود انباشته‌اند»^۴.

یاقوت حموی در اثر مشهور خود می‌گوید: ابن بطلان که در سال ۴۴۰ هـ ق از حلب دیدن کرده، نوشته است: «فقهای آنجا فتاوی خود را بر اساس مذهب امامی صادر می‌کرده‌اند. (والفقهاء یفتون علی مذاهب الامامیه)^۵».

۱. لبنان فی التاریخ، فیلیپ حتی، ص ۹۸۴.

۲. دمشق در عصر ممالیک، زیاده، ا. نیکلا، ترجمه جلال الدین اعلم، ص ۱۳۹.

۳. سفرنامه ناصر خسرو، حکیم ناصرین خسرو قبادیان مروزی، به کوشش دکتر نادر وزین‌پور، ص ۱۹.

۴. سفرنامه ابن جبیر، محمد بن احمد بن جبیر، ترجمه پرویز اتابکی، ص ۳۴۱.

۵. معجم البلدان، شهاب الدین ابی عبدالله یاقوت بن عبدالله الحموی الرومی البغدادی، ج ۲، ص ۲۸۳.

در برخی کتب تراجم نام عده‌ای از علمای شیعه حلب در این دوره ذکر شده است.^۱ وجود مناطق و روستاهای شیعه‌نشین چون بُبُل و الزهرا که اکثریت قریب به اتفاق ساکنانشان شیعه بوده‌اند، یادگاری ارزشمند از گسترش تشیع در لبنان و سوریه در قرن پنجم هجری می‌باشد.^۲

از قرن نهم میلادی مطابق قرن سوم هجری به بعد جوامع شیعه بین رود علوی در شمال و ناحیه جلیله که منطقه‌ای است معروف به جبل عامل، در جنوب، سکونت داشته‌اند. شیعیان دیگری نیز در بخش شمالی درّه بقاع و همچنین در طرابلس و کسروان واقع در لبنان شمالی سکونت اختیار کرده‌اند. اهالی کسروان صد در صد شیعه بوده‌اند. شهر طرابلس یکی از پایگاه‌های مهم تشیع در دوران فرمانروایی فاطمیان و عماریان به شمار می‌آمده است. بنی عمار از قبیل کتانه در مغرب بودند که به ۱۰۸۰م انتشار مذهب تشیع در مغرب به این آیین گرویدند و از فرماندهان نظامی دولت فاطمی در مصر

و شام شدند، فرد برجسته این سلسله امین الدوله ابو محمد حسن بن عمار است که در دوره حاکم بامرالله از متولیان دولت فاطمی بود. نیره‌اش ابوطالب عبدالله معروف به امین الدوله قاضی شهر طرابلس در زمان فاطمیان بود که در سال ۴۶۱ هـ.ق (۱۰۶۱م) دولت مستقل بنوعمار را تشکیل داد، پس از او برادرزادگانش حکومت کردند. بنوعمار در تهاجم صلیبی‌ها به شهر مهم طرابلس سال‌ها مقاومت کردند اما در اوایل قرن ششم هجری (دوازدهم میلادی) بعد از چندین لشکرکشی از سوی مهاجمان صلیبی و مساعدت مازونی‌های شمال لبنان، این شهر سقوط کرد.

طرابلس در سال ۶۸۸ هـ.ق (۱۲۸۸م) در عصر مملوکی آزاد گردید. بوالفتح کراچکی شاگرد شیخ مفید در زمان حکومت بنی عمار منصب قضاوت را برعهده داشت و دو کتاب «نهج

۱. نک: امل‌الامل، ج دوم، ص ۴۶ و نیز ص ۱۰۶

- ۱۰۵ همین مجلد.

۲. خطط الشام، ج ۵، ص ۲۵۳.

البیان» و «عدة البصیر فی حج یوم الغدیر» را برای ابوکاتب عماری و کتاب سوم خود با عنوان «الہستان» در فقه را برای ابوطالب عماری تحریر نموده است. با فتح سوریه به دست صلاح الدین ایوبی و فرمانروایی نخستین حکام ایوبی و بعد از ایشان سلطه ممالیک، این اوضاع به ضرر شیعیان تغییر کرد و هدف لشگرکشی‌های نظامی حاکمان ممالیک که طی سال‌های ۶۹۲ هـ ق (۱۲۹۲ م) و ۷۰۰ هـ ق (۱۳۰۰ م) در ناحیه کسروان - در لبنان شمالی - کمایش ناموفق، ولی در سال ۷۰۵ هـ ق (۱۳۰۵ م) کاملاً پیروزمندانه بود، بیشتر سرکوب گروه‌های افراطی‌تر و آشتی‌ناپذیرتر شیعه یعنی اسماعیلیه و نصیریہ (علویان) بود تا انقیاد شیعیان امامی اثنی عشری، زیرا ممالیک از ناحیه این فرقه‌ها احساس خطر کردند. البته در این سرکوب‌ها و یورش، شیعیان نیز آماج فشارها و تضییقات گوناگون قرار گرفتند و مرزبندی بین دو مذهب سنی و شیعه آن‌چنان شدت و حدت یافت که برخی از شیعیان برای همسازی اضطراری با

دین ملوک و مذهب فرمانروایان سنی پا بر مذهب خود گذاشتند و از آن اعراض نمودند، با این اوضاع اسف‌بار دیگر اکثریت مسلمانان سوریه و لبنان شیعه نبودند اما تعداد قابل توجهی از آنان در دمشق حضور داشتند. از این ایام به بعد اهل تشیع در همان مناطقی که امروزه در آنجا ساکن هستند، تمرکز یافتند یعنی نصیری‌ها در لاذقیه، اسماعیلی‌ها در دو گروه کوچک، دروزی‌ها در نیمه جنوبی لبنان و امامی‌ها در جبل عامل و دره بقاع سنت نیرومند تحصیل معارف شیعی علی‌رغم همه گرفتاری‌های هر از چند گاهی، همچنان در شهرها (بازارها) و روستاهای این نواحی استمرار یافت. در برخی نقاط جبل عامل خانواده‌هایی از علمای شیعه بوده‌اند که این سنت پسندیده و با برکت را پشت به پشت و از پدر به فرزند منتقل کرده و به تدریج فراگیران علوم دینی شیعه از جاهای دیگر پیرامون ایشان گرد آمده‌اند. برخی از مهمترین این خانواده‌ها در شهرهایی بر کناره راه‌های تجاری که از دمشق می‌آمده، زندگی می‌کرده‌اند. مشغره و

الف: قوّه اعتقاد و ایمانی که همواره این ارادتمندان به اهل بیت علیهم السلام بدان ممتاز بوده‌اند.

ب: دورافتادگی نسبی جبل عامل از مراکز قدرت، سطح معیشت نازل و نیز فقر امکانات مناطق تحت قلمرو شیعیان موجب آن گردیده که حکام شهرهای بزرگ تا زمانی که مردم این سامان منشأ تهدید سیاسی نبوده‌اند خود را برای تصرف یا کنترل نواحی مزبور به دردمرست نیاندازند.

ج: در ایامی که کنترل مستقیمی از جانب حکام شهرهای معروف بر این نقاط اعمال نمی‌شده، مناطق شیعه‌نشین توسط افراد صاحب نفوذ محلی اداره می‌شده که برخی از آنان شیعه بوده‌اند و از این رهگذر می‌توانسته‌اند از هم‌کیشان خود حمایت کنند، یکی از مشهورترین خاندان‌های شیعی که فرمانروای جبل عامل بوده‌اند و در قرن هشتم هجری می‌زیسته‌اند به خاندان علی الصغیر معروفند (اسلاف خاندان برجسته اسعد کتونی).

د: دورافتادگی جغرافیایی این

جزین که در آن ایام شیعه‌نشین بوده بر کناره راه اصلی دمشق به صیدا واقع بوده و راهی که به سمت جنوب به جلیل می‌رفته نیز از حوالی مشغره می‌گذشته است. کرک نوح که از مهمترین مراکز علوم شیعی به شمار می‌رفته در جانب شمال درّه بقاع، بر حاشیه یکی از دو جاده اصلی دمشق به بعلبک قرار داشته است. سایر مراکز علوم شیعی نظیر نبطیه، جبع، و میس الجبل بر حاشیه راه‌های کم‌اهمیت‌تر قرار داشته و چندان بزرگتر از یک روستا نبوده‌اند.

علل شکوفایی تشیع

در هر حال شیعیان اگرچه در اقلیت قرار گرفتند و در نقاط دور از دسترس حکمرانان مرکزی سکنی گزیدند، اما استمرار یک سنت نیرومند علمی در تاریخ تشیع لبنان در همین نواحی دور افتاده و محروم بدون حمایت حکام یا شهرهای معروف مشاهده می‌شود علت این شکوفایی علمی و رویش معرفتی را می‌توان امور ذیل دانست:

ناحیه و حمایت‌های خانواده‌های برجسته شیعی آن نه تنها سبب تداوم و استمرار یک سنت شیعی در این ناحیه گردید که هنوز هم پابرجاست، بلکه باعث جلب و جذب شیعیان اثنی عشری از سایر بخش‌های سوریه به این منطقه گردید چنانکه نخستین عالم شیعی جبل عامل یعنی شمس‌الدین محمد بن مکی معروف به شهید اول برخلاف علمای بعدی جبل عامل اجازه خود را از مدرّسان محلی نگرفته بود، بلکه در محضر علمای جاهای دیگر تحصیل کرده بود.

هذه شیعیان برخلاف اهل سنت گرچه همواره تحت تعقیب و تعذیب بوده‌اند، در عین حال می‌توانسته‌اند علمای سنی مذهب دانش مورد علاقه خود را بیاموزند. شهید اول که از اهالی جزین بود، پس از تحصیل نزد علمای عراق، برای ادامه تحصیل نزد علمای اهل سنت راهی حجاز، بغداد، دمشق، بیت‌المقدس و جهرّون گردید. شمار کسانی را که در این نقاط نامبرده نزد آنان شاگردی کرده تا چهل نفر ذکر کرده‌اند

وی بنابر مشرب اصولی خویش مهمترین اثرش را به توضیح و تبیین روشها و قواعد استنتاج احکام فقهی، بر پایه آنچه از اصول فقه در نزد شیعه و سنی فراگرفته بود اختصاص داد. وی بسیار به دمشق سفر می‌کرد و آنجا تدریس می‌نمود ولی همین امر که او ناگزیر بوده از شدت تقیه کتب شیعی را شبانه به شاگردان خود درس بدهد، حاکی از محدودیت‌های فعالیت‌های شیعی در آنجا بوده است. سرانجام به رغم این همه احتیاط و مراقبت به دلیل اتهاماتی که معاندان و بدخواهان بر او وارد کردند و مفتی مالکی دمشق بر آن صحه نهاد، توسط حاکم دمشق زندانی گردید و به شهادت رسید.

زین الدین بن نور الدین علی (۹۶۶ - ۹۱۱ هـ) در خانواده‌ای از اهالی جبع دیده به جهان گشود جدّ اعلی، پدر بزرگ و پدرش همگی از علمای دین بودند، او پس از آموختن مقدمات نزد پدر، تحصیلات خویش را در کرک نوح ادامه داد و از این ناحیه بافرا تر نهاد، ابتدا راهی دمشق شد و در

آنجا علاوه بر تحصیل فقه به آموختن طب، نجوم و حکمت اشراق پرداخت. سپس به قاهره رفت و نزد شانزده نفر از علمای اهل سنت به دانش‌اندوزی مبادرت نمود. سرانجام به قصد آن که از حکومت عثمانی حکمی برای تدریس در یک مدرسه سُنی بگیرد، به استانبول رفت. در مدرسه نوریّه بعلبک به وی اجازه تدریس داده شد و او در این مرکز علمی و دینی فقه چهارمذهب اهل سنت و نیز فقه امامیه را تدریس می نمود. آوازه اش آنچنان بالا گرفت که به گوش سلطان عثمانی رسید و او را بر آن داشت تا برای آن که بتواند درباره مذهب امامیه با یکی از علمای برجسته این مذهب مباحثه کند، نهانی مأموری جهت آوردن وی به استانبول گسیل دارد. مأمور اعزامی پس از آنکه به بعلبک رسید دریافت که زین الدین به

قصد حج آنجا را ترک کرده و لذا به حجاز رفت و او را با خود به استانبول برد. مأمور مزبور به گمان این که نیت سلطان را دریافته قبل از رسیدن این عالم شیعی به استانبول او را به شهادت رسانید و بنابر برخی روایات دیگر در استانبول علمای سنی علیه او توطئه کردند و به وزیر اعظم سلطان عثمانی گفتند آنچه که او می آموزد کفر است بدین ترتیب زین الدین عاملی معروف به شهید ثانی به شهادت می رسد. (اقتباس و مأخوذ از: خطط جبل عامل، ص ۱۳۴ و ص ۷۸ - ۷۷ - لؤلؤ البحرین، یوسف بحرانی، ص ۱۴۸ - ۱۴۳ - ریاض العلماء، میرزا عبدالله افندی اصفهانی، ج ۵، ص ۱۹۱ - ۱۸۵ - تاریخ جبل عامل، ص ۲۳۴ - ۲۳۳ - ساختار اجتماعی لبنان...، ص ۱۲ - ۱۰ - ناگفته هایی از تاریخ شیعه و شام، عبدالله ناصری طاهری، کیهان فرهنگی، سال سوم، شماره ۱۱، ص ۱۶).